تجربه 28 مرداد
نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران

ف. م. جوانشیر

پیش گفتار

شد آن که اهل نظر بر کناره می رفتند
هزار گونه سخن بر دهان و لب خاموش
حافظ

با تاریخ معاصر نهضت کارگران و زحمتکشان ایران زیر رهبری حزب توده ایران همان رفته است که با تاریخ همه نهضت های خلقی و قیام های زحمتکشان و ستم دیدگان ایران از جنبش مزدکی تا به امروز. خداوندان زر و زور هربار که به ضرب شمشیر و تازیانه و تزویر بر این جنبش ها پیروز شده اند مشتی کاتب دیوان خود فروخته را در کنار جوی خون مبارزان نشانده اند تا "فتح نامه" بنویسند، تاریخ را به سود ستم گران پیروز تحریف کنند و چهره درخشان ستم دیدگان به پاخاسته تاریخ ساز را با دروغ و بهتان بیالایند. در این تاریخ تحریف شده پردروغ قاتلش دیوانان "عادل" لقب دارند و کوتوله های ناقص الخلقه تاریخ "آریامهر" ولی مزدک ها، ارانی ها، و روزبه ها به هزار عیب و علت متهم اند.

تفاوتی که در این مساله، امروز با دیروز وجود دارد این است که امروز تحریف تاریخ جنبش های انقلابی منظم تر و طبق نقشه دقیق تری انجام می گیرد. **تحریف تاریخ جنبش های کارگری و احزاب کارگری کمونیستی بخش مهمی است از جنگ روانی که سرمایه داری امپریالیستی جهان علیه طبقات ستم کش به راه انداخته است. ده ها دانشگاه و موسسه به اصطلاح علمی با هزاران کارمند و با دستگاه عظیم تبلیغاتی و رسانه های گروهی ماموریت دارند تا جنبش های انقلابی و به ویژه جنبش کارگری و کمونیستی را بکوبند، گذشته آن را سیاه و آینده آن را بی دورنما معرفی نمایند.**

تاریخ سی ـ چهل ساله اخیر ایران هنوز تاریخ نیست. مساله و مشغله روز است. با این حال از فردای 28 مرداد تا به امروز ده ها "مورخ" ریز و درشت به تحریف حقایق آن پرداخته و از دیدگاه دشمنان نهضت توده ای و خلقی این تاریخ را "بررسی" کرده اند و درباره یکی از گره گاه های اصلی آن یعنی جنبش ملی شدن نفت و پایان غم انگیز آن صدها "تحلیل" به دست داده اند. این تلاش خستگی ناپذیر و پی گیر برای تحریف تاریخ جنبش، جزئی است از همان کودتای 28 مرداد و ادامه مستقیم این کودتا است. سازمان های جاسوسی امپریالیستی که این کودتای جنایت بار را به ثمر رسانیدند به درستی می دانستند که تا وقتی اندیشه های انقلابی در میان خلق ریشه و روح پیکارجویی در مردم زنده باشد، پیروزی آنان موقتی است، باید روح مردم را شکست و توده ها را نسبت به راهی که رفته اند دچار تردید و بدبینی ساخت. باید آنچه را که می تواند مایه پیروزی آینده باشد معیوب و مشکوک جلوه گرساخت و بی راهه ها را شاهراه.

طی 25 سالی که ازکودتا می گذرد قریب 100 جلد کتاب و جزوه به زبان فارسی در ارتباط به دوران ملی شدن نفت نوشته شده و یا به فارسی ترجمه شده است. به علاوه در اکثر مقاله های روزنامه های فارسی زبان ـ چه در خارج و چه در داخل کشور معمولا" به مسایل جنبش ملی شدن اشاره می کنند. اکثریت قریب به اتفاق این نوشته ها و این اشاره ها تکراری و از موضع بورژوازی وابسته و سازمان های سیاسی ضد توده ای است. در برخی از این کتاب ها بحث های فنی درباره مذاکرات مربوط به پیشنهادهای مختلف انحصارات نفتی در طول حکومت مصدق مطرح شده که این جا و آن جا قابل استفاده است. ولی هربار که نویسندگان به بحث پیرامون مسایل سیاسی و مناسبات نیروهای سیاسی پرداخته اند از حقیقت

دوره شده و دشمنی طبقاتی خود را با جنبش کارگری ایران و جنبش جهان کمونیستی به جای واقعیت خارج گذاشته اند.

چنان که گفتیم این امر تصادفی نیست. بخشی است از پیکار عمومی علیه جنبش های رهایی بخش و کارگری که سازمان های جاسوسی امپریالیستی و شعبه های آن ها در ایران به راه انداخته اند. **کافی است یادآوری کنیم که فرمانداری نظامی تیموربختیار و ساواک نخستین "آکادمی های علوم اجتماعی" بودند که "بررسی" بخوان تحریف! – تاریخ حزب توده ایران را در پیوند با جنبش ملی شدن نفت آغاز کردند و "اشتباهات" و "خیانت های" حزب توده ایران را برشمردند.** اینان نه تنها آغازگران و پیش کسوتان تحریف این تاریخ بلکه فعال ترین بخش آن هستند. در 25 سال پس از کودتای 28 مرداد از جانب اینان به طور غیرمستقیم ده ها جلد کتاب و جزوه و هزاران مقاله و به طور مستقیم و رسمی لااقل سه جلد کتاب قطور و یک دوره مجله درباره تاریخ حزب توده ایران منتشر شده است[1]. فرمانداری نظامی بختیار و ساواک در باره هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین وظیفه برعهده نگرفته و برای هیچ سازمان دیگری تاریخ ننوشته اند.

طبیعی است که قصد مامورین رژیم کودتا بررسی تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران و نقش واقعی حزب توده ایران در این جنبش نبوده است. آنان برای پنهان کردن دست های خون آلود جنایت کاران کودتا گر و به قصد منحرف کردن و متوجه نمودن نفرت و کینه خلق از این جنایت کاران به سوی نیرو های راستین انقلاب و ایجاد و تقویت یاس در توده ها و سلب اعتماد آنان، گام به میدان " تاریخ نویسی " نهاده اند . نتیجه " بررسی " های آنان ـ همانند آرای داد گاه های نظامی شاه ـ از پیش تعیین شده و به هدف مورد نظر خدمت می کند .

بلا فاصله پس از شکست 28 مرداد دژخیمان دربار پهلوی و "سیا" ـ زمانی که مبارزان توده ای را گروه گروه به زندان کشیده، شکنجه کرده و به جوخه اعدام می سپردند – با این روح "تاریخ" می نوشتند که جنایات خود را در افکار عمومی توجیه کنند. در این زمان حزب توده ایران سازمان مخوف و پر قدرتی مجسم می شد که کم مانده بود ایران را پشت "پرده آهنین " ببرد ، ولی کودتا رسید و ایران "نجات " یافت .

در این زمان دژخیمان کودتاچی حزب ما را به اتهام " قیام علیه سلطنت مشروطه "، "تلاش برای استقرار جمهوری دموکراتیک"، " تدارک قیام مسلحانه "، " نقض انضباط ارتش و ایجاد سازمان نظامی"، "ساختن و انبار کردن اسلحه " و هزار "جرم" نابخشودنی دیگر می کوبیدند و چنان است که، هدفی جز استقرار بلاواسطه سوسیا لیسم در ایران ندارد... چهره ای که در این زمان از حزب ما ترسیم می شده، چهره سازمان توطئه گری بود که گویا کارهای وسیع توده ای آن فقط برای فریب ساده لوحان است و در پشت پرده مقاصد دیگری دنبال می شود .

چند سال بعد، زمانی که کودتاچیان موفق شدند جنبش انقلابی زحمتکشان ایران و به ویژه پیشاهنگ آن حزب توده ایران را با خون و تازیانه سرکوب کرده کشور ما را به گورستان بدل سازند، لحن و جهت نوشته های ضد انقلابی عمال پنهان و آشکار ساواک 180 درجه تغییر کرد. انواع گروهک های خرابکار پدید آمدند که ادعا کردند، حزب توده ایران " هرگز به فکر قیام مسلح نبود "، " همواره از اسلحه می ترسید"، " مدافع سلطنت مشروطه بود "، "با قدرت حاکم هر چه باشد می ساخت "، " به رو یزیونیسم تاریخی دچار بود "، " هرگز حزب طبقه کارگر نبود " و ...

---

[1] ـ سرکمونیسم درایران، از شهریور 1320 تا فروردین، تهران، 1336. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، با مقدمه تیموربختیار، تهران، 1334. کمونیزم در ایران یا تاریخ مختصر کمونیست ها در ایران منتسب به سرهنگ علی زیبایی (جنایت کار معروف ساواک)، تهران1344 و مجله عبرت.

بسیاری از این گروهک ها ما ئوئیست بودند و از نظر ایده ئولوژی از پکن سرچشمه می گرفتند ولی ریشه آن ها از محافل ضد انقلابی ایران و سازمان های خرابکار امپریالیستی آب می خورد. نمونه های فراوانی از پیوند مستقیم این گونه گروهک های ضد توده ای با ساواک و سیا وجود دارد. اما مهم تر از این رابطه مستقیم، رابطه عمیق روحی است که میان آنان برقرار است. این گروهک ها در آنچه مربوط به تاریخ جنبش انقلابی ایران است :
اولا"، از سفره ضد کمونیستی که ساواک گسترد تغذیه می کردند (و می کنند)، از محیط یاس و بد بینی حاصل از شکست و جو ضد کمونیستی که ساواک به وجود آورد مایه می گرفتند و اکثر استدلال های ساواک بود (و هست).
ثانیا"، هدف آنان عین ساواک: سرکوب جنبش انقلابی، لجن مال کردن تاریخ آن، افشاندن بذر یاس و بی اعتمادی و جلو گیری از رشد جنبش کمونیستی بود. فعالیت خرابکارانه این گروهک ها برای لجن مال کردن تاریخ جنبش انقلابی ایران و تاریخ حزب توده ای ما جزء مهمی از جنگ روانی ضد کمونیستی محافل امپریالیستی را تشکیل می داد .
ثالثا"، شیوه بررسی " مورخین " وابسته به این گروهک ها عینا" منطبق است بر شیوه ساواک: ذهن گرا، غرض ورز و کینه توز، پرونده ساز، تعیین نتیجه قبل از" بررسی" و یافتن " سند " برای اثبات نتیجه از قبل اعلام شده و ...
این گروهک ها بسته به نظریه های از پیش ساخته ظاهرا" متفاوتی که عرضه می کردند، از تاریخ جنبش نتایج ظاهرا" متفاوتی می گرفتند. آن که مامور تبلیغ " محاصره شهر از روستا " بود ادعا می کرد که عیب حزب توده ایران بود که شهرها را از طریق روستا محاصره نکرد، و آن که می کوشید جوانان را وادار کند جهان را از لوله تفنگ ببینند علت شکست را در این شناخت که حزب توده ایران از این لوله به جهان ننگریست .
ولی در واقع امر میان این گروهک ها از نظر برداشتی که از تاریخ جنبش انقلابی ایران دارند تفاوتی نیست. هیچ یک از آنان کاری جز لجن مال کردن این تاریخ نداشته است. **هیچ کدام حتی یک صفحه که بوی جدی بودن بدهد و یا ساعتی زحمت پژوهش علمی در پشت سر داشته باشد و چند صباحی دوام بیاورد منتشر نکرده است.**
جنبش ملی شدن نفت ایران، جنبش یکسره توده ای نیست. جنبشی است که قشرهای وسیعی از طبقات مختلف مردم زیر رهبری سازمان ها و جریان های فکری و سیاسی گوناگون، در آن شرکت کرده اند. خلاصه کردن تاریخ این جنبش در تاریخ حزب توده ایران به هیچ وجه پایه علمی و واقعی ندارد. این جنبش را با همه بزرگی و اهمیت آن باید شناخت و آن را از زیر آوار کودتای 28 مرداد بیرون کشید. باید اجزای گوناگون شرکت کننده در جنبش را هم شناخت و معرفی کرد. در جریان مبارزه عظیم برای ملی شدن نفت، طبقات و قشرهای گوناگون جامعه ایران هدف ها، سیاست ها، مشی ها و شیوه های مبارزه ای را که پیشنهاد می کنند و قادربه از پیش بردن آنند ارائه داده و به محک تجربه زدند. باید دید این مشی ها چه بوده و در عمل چه نتایجی به بار آورده است. چنین بررسی همه جانبه ای بسیار ضروری است. توشه ای است از گذشته برای آینده.
متاسفانه غیر از حزب توده ایران هیچ یک از احزاب و سازمان های شرکت کننده در جنبش ملی شدن نفت، بررسی آن را جدی نگرفت. بسیاری از این سازمان ها و احزاب که برای انجام وظایف ویژه ای مانند قارچ در همان لحظه روییده بودند پس از شکست موقت جنبش از میان رفتند، طبیعی است که علاقه ای هم به بررسی واقعی گذشته نداشتند تا دست تبه کارشان رو نشود. در جنبش ملی شدن نفت جبهه ملی ایران نقش بسیار موثری داشت. این جبهه پس از 28 مرداد از هم پاشید و آن بخش از سازمان ها و دقیق تر بگوییم افراد و عناصری نیز که کوشیدند موجودیت "جبهه ملی" را حفظ کنند به هیچ رو خود را در کشف حقایق تاریخی گذشته ذینفع ندانستند. بسیارند کسانی که از نام مصدق برای خود سرمایه سیاسی می سازند، اما هنوز حتی یک نفر از آنان نکوشیده است تاریخ جنبش را بررسی کند

و جوانب مثبت و منفی کار جبهه ملی را روشن سازد. غباری به نام "راه مصدق" بالای سرآنان پرسه می زند که مطلقا" گنگ و آشفته است. هیچ کدام از آنان نیز تمایلی احساس نمی کند که این گنگی را از میان بردارد و صاف و روشن بیان کند که راه مصدق کدام است.

درسال های پس از 28 مرداد کسانی که خود را عضو جبهه ملی و ادامه دهنده راه مصدق معرفی می کردند دو بار در اروپا کنگره تشکیل داند. جبهه ملی دوم و سوم پدید آوردند. اعلامیه های پرزرق و برق دادند ولی درباره گذشته جنبش و مشی جناح های گوناگون جبهه ملی در زمان ملی شدن نفت مطلقا" سکوت کدند و ضمن خودستایی پرطمطراق دور از فروتنی درعین حال که خود را همه کاره جنبش اعلام می کردند مسئولیت شکست را طبق روش ساواک به گردن حزب توده ایران انداختند.

حزب ایران که در سال های ملی شدن نفت از مهم ترین سازمان های ترکیب کننده جبهه ملی ایران بود در یک سال گذشته دو جزوه به نام های «برای آگاهی نسل جوان» و «تاریخچه جبهه ملی ایران» منتشر کرده که به بررسی بخشی از تاریخ جنبش ملی شدن نفت اختصاص دارد. ولی بیش از آن که به روشن شدن تاری گذشته کمک کند، سرعت درجه تنزل اخلاقی و سیاسی این سازمان در حال فروپاشی را برملا می کند. در این دو کتاب محض نمونه هم شده یک سند، یک اندیشه، و یا حتی یک اشاره که تازگی داشته و از انتشارات ساواک – مائوئیستی منشا نگرفته باشد وجود ندارد. جز این که جزوه های حزب ایران ناقص تر و مبتذل ترند.

از رهبران سابق جبهه ملی تنها برخی خاطرات پراکنده، اظهارنظرهای گسیخته و در مواردی دفاعیات در دادگاه باقی است. این سند حوادث معینی را روشن می کنند و طرز تفکر و برداشت نویسنده و جناحی را که وی نماینده آن است بیان می دارند که به جای خود قابل استفاده اند و ما از آن بهره گرفته ایم.

برخی از افراد وابسته به گروه های " چپ نو" و چریکی نیز در سال های اخیر مطالبی درباره تاریخ دوران ملی شدن نفت ایران نوشته اند. از آن جمله است: "تاریخ سی ساله ایران" نوشته بیژن جزنی و" 28 مرداد و حزب توده " نوشته حسن ضیاء ظریفی. نویسندگان این گونه جزوه ها متاسفانه امکان بررسی مستقل و عمیق نداشته اند. کارمایه آنان نوشته ها و اظهارات دیگران است که در زندان و آزادی شنیده و خوانده اند ولی امکان و فرصت تحقیق درصحت و سقم آن ها را نداشتنه اند. قضاوت های آنان نیز خواه ناخواه توام با پیش داوری و برای اثبات نظرازپیش پذیرفته ای است. لذا نوشته های آنان درهیچ موردی سندیت ندارد.

پس از پیروزی انقلاب بهمن محافل ضدکمونیستی با حرارتی دوچندان جنگ روانی ضد توده ای را آغاز کرده اند و برای پیش برد مقاصد خویش طبق معمول به تحریف تاریخ جنبش روی آورده اند. در همین یک سال ده ها کتاب و جزوه و صدها مقاله انتشار یافته که متاسفانه حتی یکی از آن ها نیز حاصل پژوهش مستقل و عمیق نیست. تکراری است با کمی تغییر شکل از پرونده سازی ساواکی – مائوئیستی. این گونه نویسندگان که بر سرسفره ساواک نشسته اند و از غذاهای مسموم آن تغذیه می کنند، بسیاری از ادعاهای ساواک، سیا – مائو را به عنوان امر مسلمی که نیازی به اثبات ندارد از صبح تا شب تکرار می کنند، **با این هدف که از طریق تحریف تاریخ جنبش، هرگونه اتحاد حزب توده ایران و جنبش اسلامی زحمتکشان را امکان ناپذیر اعلام نمایند و مشی کنونی حزب توده ایران را فرصت طلبانه و سطحی جلوه دهند. تا شاید فاجعه 28 مرداد را در شکل نو تکرار کنند.**

جدل بر سر 28 مرداد برای تکرار 28 مرداد از ویژگی های جنگ روانی لحظه کنونی است.

در برابر تمام این انحراف ها و این موج بزرگ جهانی روانی بهترین پاسخ نشان دادن واقعیت است. زحمتکشان ایران باید تاریخ کشور و به ویژه تاریخ معاصر را که این چنین

طبق نقشه و سازمان یافته تحریف می شود از نو بنویسند و واقعیت ها را چنان که هست نشان دهند تا بتوانند از گذشته بیاموزند و از تکرار 28 مردادها جلو گیرند.

حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی است که با احساس مسئولیت در راه کشف واقعیت های تاریخ معاصر ایران کوشیده و می کوشد. حزب توده ایران نفعی در تحریف تاریخ ندارد. ما می خواهیم پیروز شویم و قطعا" پیروز خواهیم شد. شرط پیروزی نیز دیدن واقعیت ها، کشف اشتباهات و دریافت جنبه های مثبت و منفی مبارزه است. حزب ما تنها حزبی است که گذشته خود را مورد بررسی دقیق قرار داده و هربار برای اصلاح مسیر، تصمیمات مشخص سیاسی – تشکیلاتی گرفته و اجرا کرده است. پلنوم های کمیته مرکزی حزب توده ایران در اتخاذ تصمیمات معتبر و رسمی نقش اساسی ایفا کرده اند. به علاوه در نشریات حزب از جمله درمجله دنیا نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب تاکنون نوشته ها و تحقیقات علمی فراوانی درباره گذشته حزب و جنبش منتشر شده است.

بررسی های شادروان رفیق عبدالصمد کامبخش درباره تاریخ حزب که تحت عنوان شمه ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران (سوسیال دموکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران، حزب توده ایران) جداگانه نیز منتشر شده برجسته ترین نمونه این گونه نوشته ها و تجلی وجدان علمی مبارزان توده ای است.

کتابی که اینک به خوانندگان تقدیم می شود به یکی از پرماجراترین دوره های تاریخ معاصر ایران که بیش از همه تحریف شده و می شود یعنی جنبش ملی شدن نفت ایران و دوره حکومت ملی مصدق اختصاص دارد. از آن جا که این دوره تاریخ معاصر ایران موضوع اختلاف و بحث و جدل سازمان های گوناگون است و کوهی از لجن و گرد و غبار تبلیغات امپریالیستی – ارتجاعی روی آن را پوشانیده، ما انتظار نداریم که نتیجه گیری های آن به یکسان مورد پذیرش خوانندگان باشد. اما ادعا می کنیم که هیچ کس نمی تواند در صحت اسناد و مدارکی که در این کتاب ارائه شده و منطق سالمی که در تحلیل این اسناد به کار رفته تردید کند.

درباره مدارکی که در این کتاب مورد استفاده قرارگرفته شایان ذکر است که ما کوشیده ایم تا حدالمقدور مدارک و اسناد ضرور برای بررس را جمع آوری کنیم. تمام نتیجه گیری های ما به اسناد معتبر انکارناپذیر متکی است.

چنان که می دانیم یکی از اساسی ترین راه های تحریف تاریخ جنبش کاربرد شیوه نادرست و غیرعلمی در جمع آوری اسناد است. کار محافل ضدانقلابی در این زمینه عبارت از جمع آوری اسناد نیست بلکه جدا کردن "شبه اسناد" و پرونده سازی است. اگر به نوشته های این محافل بنگریم خواهیم دید که آنان تقریبا" هرگز به اسناد رسمی حزب توده ایران و عمل کردهای مشخص حزب ما استناد نمی کنند. آن ها از میان انبوه انتشارات و مطبوعات حزبی جمله هایی را که ناموفق بوده و گاه نقطه مقابل اسناد رسمی حزبی و عمل کرد حزب است گرد می آورند. نمونه های مشخصی وجود دارد که نشان می دهد آنان نوشته های کسانی را که حزب ده ها سال پیش از صفوف خود رانده، هنوز هم به حساب حزب توده ایران می گذارند. نمونه هایی وجود دارد حاکی از این که یک جمله ناموفق و یا حتی اشتباه چاپی مدت 20 سال تمام در همه انتشارات ضدانقلابی به عنوان سند علیه حزب ما مورد استفاده قرار گرفته و تمام اسناد رسمی حزبی و اقدامات مشخص عملی حزب در همان مورد، که صدها برابر بیشتر و معتبرتر است، نادیده گرفته شده است. درحالی که این یا آن جمله درنوشته یک رفیق حزبی که با اسناد رسمی و عمل حزب تطبیق نکند در بدترین حالت نشانه وجود اختلاف نظر میان آن فرد و حزب است و نه چیز دیگر و در حالت عادی می تواند دلیل عدم توجه، عدم درک سیاست حزب و یا حتی غلط چاپی باشد. جمع آوری این گونه "مدارک" و تاریخ نویسی برپایه آن چیزی نیست جز پرونده سازی.

ما بررسی خود را برپایه اسناد معتبر گذاشته ایم حتی در مورد دشمنان انقلاب ایران و توطئه گران نیز ما به خود اجازه نداده ایم که نوشته ها و اظهارات درجه دوم را که منعکس کننده سیاست و مشی واقعی آنان نباشد، به عنوان مدرک و سند مورد استفاده قرار دهیم.

درباره اسناد رسمی حزب، باید یادآوری کنیم که این اسناد به طور عمده منتشر شده است. حزب ما خود در پنهانی ترین شرایط نیز اسنادی را که بیان گر مشی آن باشد پنهان نمی کرد. تنها برخی اسناد و تصمیمات مربوط به مسایل فنی و طرز اجرای تصمیمات رهبری بود که منتشر نمی شد. با این حال اگر همه این گونه اسناد حزبی و صورت جلسات ارگان های مسئول حزبی در آن زمان باقی مانده بود اثبات حقانیت حزب ما آسان تر و قاطع تر می بود. متاسفانه شرایط کار پنهانی اجازه نمی داد که همه بحث ها و مذاکرات ثبت شود. به علاوه هجوم مکرر پلیس ما را مجبور می کرد که این گونه اسناد را اگر هم وجود داشت از میان ببریم. در این گونه موارد ما از خاطرات برخی از رفقای مسئول و از جمله رفیق نورالدین کیانوری بهره گرفته ایم.

چند کلمه ای هم باید پیرامون شیوه تحلیل و منطق بررسی بگوییم.

ما در این کتاب حوادث کشورمان را در ارتباط با حوادث بین المللی، حوادث سیاسی را در پیوند با مناسبات اجتماعی و نبرد طبقاتی، روش هر حزب و سازمان و طبقه اجتماعی را در رابطه با روش سایر سازمان ها و طبقات و همه این ها را در مسیر تکاملی شان درنظر گرفته و بررسی کرده ایم.

به نظر ما، این شیوه تنها شیوه صحیح و علمی است. دشمنان جنبش کارگری برای این که این جنبش را به لجن بکشند و بورژوازی سازشکار و ترسوی ایران را از زیر ضربه بیرون آورند به جای بررسی تاریخ جنبش درمجموع خویش، به جای بررسی مناسبات میان طبقات و سازمان های مختلف و به جای گذاشتن هر حادثه در جای خود و در جمع حوادث دیگر، به جای ارائه مشی همه سازمانهای سیاسی که امکان مقایسه را بدهد، فقط به "بررسی" حزب توده ایران، به "بررسی" فقط و فقط جوانب معینی از فعالیت این حزب، آن هم به استناد این یا آن جمله گسیخته از متن حوادث و مشی حزب می پردازند. هرکس از جایش بر می خیزد درباره روش حزب توده ایران بحث می کند اما هیچ کس به بررسی و بحث پیرامون مجموع حوادث تاریخی و نقش همه سازمان های سیاسی نمی پردازد. با این شیوه غیرعلمی است که حزب توده ایران، مسئول" اشتباهات شمرده می شود و سایر سازمان ها و سایر مشی ها – با تمام نادرستی آن ها – ستوده می شوند. محافل بورژوایی در عین حال که از بررسی تاریخ فعالیت خویش مطلقا" امتناع می کنند، به استناد لنینیسم!! از حزب توده ایران می خواهند که از خودش انتقاد کند.

حزب ما در گذشته، و در مراجع مسئول حزبی نقش خود را در دوران ملی شدن نفت به طور جداگانه بررسی کرده است. هم جوانب مثبت کار و هم نقایص آن را برشمرده است. ما در این زمینه آنقدر قاطع بوده ایم که تا کنون هیچ کسی نتوانسته است انتقاد سالمی برآنچه خود حزب گفته بیفزاید، اما اینک جای آن است که نه فقط فعالیت حزب ما بلکه مجموعه جنبش و سیر تکاملی و تحولی آن بررسی شود. ما در این نوشته چنین کرده ایم.

این کتاب را به مبارزان توده ای که بار مصایب بعد از شکست 28 مرداد را بردوش کشیده و چون کوه استوار ایستادند، به سربازان گمنام توده ای که به رغم همه دشواری های دهشتناک اجاق حزب را در دورافتاده ترین نقاط کشور روشن نگاه داشتند تقدیم می کنیم. امید است نسل جوان توده ای از تجربه غنی گذشته بیاموزد و در نبرد آینده برافتخارات عظیم حزب خود بیفزاید و پرچم خونین و پرافتخار حزب کارگری مان را تا پیروزی نهایی پیش برد.

ف. م. جوانشیر